کسب و کار

چه کنیم اگر حقوقمان از محدوده بازار پایین تر است؟

مشاور عزیز،
من برای یک شرکت خیلی بزرگ کار می‌کنم که بیش از ۱۰۰ هزار کارمند دارد. ۹ سال پیش کارم را به عنوان کارآموز شروع کردم و از آن زمان، دو بار ارتقا گرفته‌ام. همه من را به عنوان یک کارمند موفق می‌شناسند و عملکردم هر سال از سال قبل، درخشان‌تر است. مدیرانم خیلی دوستم دارند، همکارهایم من را یک فرد مورد اعتماد می‌دانند و بارها بابت دستاوردهایم پاداش گرفته‌ام (مثلا یک مدال واقعی).

طی چند سال اخیر، حس می‌کردم حقوقم به نسبت کم است اما مطمئن نبودم چقدر. در این ۹ سال، فقط سه بار حقوقم اضافه شده، آن هم خیلی ناچیز. در حال حاضر، حقوق دریافتی‌ام ۱۴ درصد بیشتر از یک دهه پیش است که کارآموز بودم. مدیریت اینجا، وقتی حقوق‌ها را حتی خیلی ناچیز افزایش می‌دهند آنقدر قضیه را بزرگ می‌کنند که انگار لطف بزرگی در حقمان کرده‌اند. پارسال به خاطر عملکردم، حقوقم اضافه شد.

مدیرم با یک لحن اغراق‌آمیز و هیجان‌زده می‌گفت که بقیه کارمندها ۲ درصد افزایش حقوق داشته‌اند اما من آن‌قدر گرانقدرم که حقوقم را ۳ درصد اضافه کرده‌اند!

چند سال پیش، ایالت ما یک قانون برابری حقوق تصویب کرد که طبق آن، آگهی‌ها موظفند محدوده حقوق را درج کنند. شرکت ما با انتشار آگهی در ایالت‌های دیگر که چندان حامی حقوق کارمندها نیستند، توانست به مدت دو سال این قانون را دور بزند. اما طی دو هفته اخیر، دیدم که آگهی‌هایی برای جایگاه شغلی من در شعبه‌های دیگر شرکت منتشر شده که در آنها محدوده حقوق نیز ذکر شده است.

و در کمال تعجب دیدم که حقوق من خیلی کم و در ۲۵ درصد پایین محدوده است. خیلی عصبانی‌ام. وقتی عدد و رقم‌ها را ندیده بودم، به خودم می‌گفتم قضیه شخصی نیست و شاید اوضاع آن‌قدرها هم بد نباشد. اما حالا که مطمئن شدم، به سختی می‌توانم عصبانی نباشم. احساس می‌کنم به من توهین شده. در محل زندگی من، هزینه‌های زندگی خیلی بالاست و با توجه به تورم سال‌های اخیر، عملا پول کافی برای پرداخت قبض‌هایم ندارم. چند ماه است که وام می‌گیرم و غرق در بدهی هستم. یک سال هم هست که تفریحی به دنبال کار می‌گردم و هر جا آگهی جذابی می‌بینم، درخواست می‌دهم اما تا الان سعی می‌کردم حتی‌المقدور در این شرکت بمانم. حالا انگیزه پیدا کرده‌ام که دنبال شغل در یک شرکت دیگر بگردم.

آیا من زیادی بزرگش کرده‌ام؟ یا اشتباه می‌کنم که فکر می‌کنم به خاطر عملکرد بالا باید حقوق بالا دریافت کنم؟ آیا در این شرایط، اصلا ارزشش را دارد که موضوع را با مدیران مطرح کنم؟ به نظرم، آدم‌هایی که افزایش حقوق ۳ درصدی را لطف بزرگ می‌دانند، حتی لحظه‌ای به درخواستم برای افزایش منصفانه حقوق فکر هم نخواهند کرد. اما از سوی دیگر، حس می‌کنم اگر هیچ‌کس به این مساله اشاره نکند، آنها هیچ‌وقت این رویه را تغییر نخواهند داد.

پاسخ: دوست عزیز، بله. کاملا ارزشش را دارد که موضوع را مطرح کنی. امکانش هست که حقوقت به قدر کافی افزایش یابد پس امتحانش ارزش دارد. حتی اگر نتیجه ندهد، طرح موضوع از این جهت مهم است که حداقل می‌فهمند علت استعفایت چیست (وقتی که استعفا دهی). به‌علاوه، مطرح کردنش هزینه چندانی ندارد. درخواست تو غیرمعقول نیست (شرکت شما محدوده حقوق را علنا منتشر کرده و تو برای درخواستت، به اطلاعات محکمی استناد کرده‌ای. آنها قطعا احتمالش را می‌دادند که تو آگهی را ببینی) و بی‌ملاحظگی نیست اگر فکر می‌کنی که با ۹ سال سابقه و عملکرد عالی، شایسته حقوقی بیشتر از اینها هستی.

یک هشدار مهم: گفتی که ۹ سال در این شرکت بوده‌ای اما نگفتی که چند وقت است که در «جایگاه فعلی‌ات» هستی. گفتی که دو بار ارتقا گرفته‌ای. اگر در این جایگاه، تازه‌وارد هستی، مثلا کمتر از یک سال، شاید منطقی باشد که با حداقل حقوق، کارت در این جایگاه را شروع کنی، چون محدوده حقوق معمولا بر اساس سابقه کار در «همان جایگاه» مشخص می‌شود نه سابقه کلی در شرکت. آن‌قدرها هم غیرعادی نیست که وقتی به تازگی به یک جایگاه ارتقا یافته‌ای، حقوقت در پایین محدوده شروع شود.

ممکن است قصد داشته باشند در ادامه، آن را افزایش دهند و این اتفاق به مرور زمان و با کسب تجربه بیشتر، بیفتد. البته پس از آنکه خودت را ثابت کردی.

با این حال، حتی اگر تازه‌وارد باشی، باز هم شک دارم که این، پایین بودن حقوقت را توجیه کند. تو ۹ سال سابقه، عملکرد درخشان و پاداش را در کارنامه‌ات داری. نباید حقوقت در مقایسه با ۹ سال پیش که کارآموز بودی، فقط ۱۴ درصد افزایش یافته باشد. همچنین باید همزمان با هر ارتقا، حقوقت نیز به میزان چشمگیری افزایش می‌یافت. ۳ درصد افزایش، میانگین افزایش حقوق است. آن هم برای کسی که در همان جایگاه مانده و انتظارات را برآورده کرده. اما ارتقا به جایگاه بالا باید عایدی‌های بیشتری داشته باشد که به نظر می‌رسد تو نداشته‌ای (تازه بدون در نظر گرفتن تورم و هزینه‌های زندگی در محل زندگی‌ات).

حتی اگر همه اینها را نادیده بگیریم، وقتی تو با ۹ سال سابقه و چند ارتقا، دست به دامن وام و قرض شده‌ای، این یعنی کارفرمایت به اندازه کافی به تو حقوق نمی‌دهد.

آیا امکانش هست که شرکتتان، برای افزایش حقوق به واسطه ارتقا سقف تعیین کرده باشد؟ بعضی شرکت‌ها برای کارمندهای ارتقایافته و جابه‌جایی‌های داخلی، سقف افزایش حقوق تعیین می‌کنند و می‌گویند «حقوقت نهایتا X درصد اضافه خواهد شد». حتی اگر این باعث شود حقوقت خیلی پایین‌تر از نرخ بازار باشد و حتی وقتی به کارمندی که از بیرون استخدام کرده‌اند، بیشتر حقوق بدهند. هیچ‌کدام از اینها توجیهی برای حقوق پایین تو نیستند اما حداقل توضیح می‌دهند که چرا کارت به اینجا کشیده.

در هر صورت، به نظر می‌رسد که تمام داده‌های لازم برای درخواست افزایش حقوق را در دست داری. حتی اگر پس از طرح این موضوع و اشاره به آگهی‌ها و سابقه‌ات در شرکت، حقوقت را افزایش ندادند، کاریابی‌ات را با جدیت شروع کن. حتی می‌توانی صرف نظر از همه اینها، به جست‌وجوی کار ادامه دهی. مگر اینکه توضیح قانع کننده‌ای درباره علت این ماجرا بدهند، وگرنه این شرکتی است که به راحتی توانسته در تمام این مدت، حقوقی کمتر از ارزشت به تو پرداخت کند. حتی اگر حالا حقوقت را افزایش دهند، نگرانم که مبادا دفعه بعد که مستحق افزایش حقوق هستی، پاسخگو نباشند. اما فعلا سعی کن تا زمانی که قصد داری آنجا بمانی، حق و حقوقی را که مستحقش هستی از آنها بگیری.

مترجم: مریم مرادخانی
منبع: The Cut

دبیر شورای شهر کرج:

رسانه‌ها با نقد سازنده همگام مدیریت شهری شوند

دبیر شورای اسلامی شهر کرج گفت: رسانه‌ها با نقد سازنده همگام مدیریت شهری شوند.

به گزارش پیام آشنا، فاطمه منعمی در حاشیه یکصد و بیست و دومین جلسه شورای شهر با اشاره به اینکه شهر در آستانه انتخابات رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است، افزود: در شرایط حاکم تاثیر رسانه‌ها بیش از پیش نمایان شده و انتظار داریم مدیریت شهری در تعامل با رسانه به دور از آفت سیاسی کاری، کاملا منطقی و بر اساس نظرات کارشناسی برخورد نماید.

وی گفت: اعمال نظرات شخصی و عدم همکاری با رسانه های منتقد به هیچ عنوان پذیرفته نیست به‌ویژه اینکه در برخی از موارد نقدسازنده در جهت اداره بهتر شهر موثر بوده است.

منعمی با تاکید بر اینکه در تعامل و همکاری با رسانه‌ها باید از هرگونه اظهار نظر شخصی و سلیقه‌ای به دور باشیم، افزود: تشکیل بانک اطلاعات اصحاب رسانه، اجرای دقیق آئین نامه ساماندهی رپورتاژهای خبری گامی در جهت حمایت از اصحاب رسانه است که در راستای حذف سلیقه های شخصی مدیران صورت پذیرفت و امیدواریم با تدوین چشم انداز نحوه همکاری مدیریت شهری با رسانه‌ها، شرایط اطلاع رسانی مناسب بهبود یابد.

دبیر شورای اسلامی شهر کرج ادامه داد: رسانه ها با اخبار صحیح در ارتقاء آگاهی شهروندان و تنویر افکار عمومی نقش بسزایی دارند که اعضای ششمین دوره شورای اسلامی شهر کرج به دنبال حمایت از رسانه ها در چارچوب قوانین هستند

وی در پایان از رسانه ها خواست در جهت امیدآفرینی بویژه در شرایط حاکم بر جامعه گام بردارند.

---

۴ پارک کرج در روزهای تاسوعا و عاشورا تعطیل است

پارک‌های بانوان جهان و ریحان، بوستان ملی ایران کوچک و باغ گل‌ها در ایام سوگواری سالار شهیدان مصادف با تاسوعا و عاشورای حسینی تعطیل است.

به گزارش پیام آشنا، پارک‌های بانوان جهان و ریحان، بوستان ملی ایران کوچک و باغ گل‌ها درایام سوگواری سالار شهیدان مصادف با تاسوعا و عاشورای حسینی تعطیل خواهد بود.

شایان ذکر است، این ۴ مرکز تفریحی از روز شنبه ۷ مرداد ماه همچون گذشته آماده ارائه خدمات به شهروندان است.

دیدار با زوجی که تنها ساکنان روستای دوتویه علیا هستند

از جاده اصلی وارد کوره راه خاکی و ناهموار روستا می‌شویم. تا چشم کار می‌کند سوله‌های صنعتی و دامداری پشت سر هم قطار شده است و دریغ از یک وجب زمین کشاورزی که نگاهمان را سبز کند.

آسیه اسماعیلی: پیدا کردن خانه «حاج حسن» کار دشواری نیست چراکه در این روستای متروکه فقط یک خانه مسکونی وجود دارد و آن هم خانه باصفای پیرمرد و پیرزنی است که ما امروز مهمانشان هستیم. خانه حاج حسن بر خلاف تمامی خانه‌هایی که تابه‌حال دیده‌ایم، دیوار ندارد و در اتاق‌هایش بی‌هیچ حصاری مستقیم رو به جاده خاکی روستا باز می‌شود. پیرزن و پیرمرد زیر کرسی نشسته‌اند و چنان عمیق به فکر فرو رفته‌اند که صدای پای ما را نمی‌شنوند اما با دیدن ما به رسم مهمان‌نوازی از جا بلند می‌شوند و گوشه‌ای از کرسی را به ما تعارف می‌کنند و گرمای دلچسب آن نوستالژی دوران کودکی‌مان و حال و هوای خانه مادربزرگ را برایمان تداعی می‌کند.

«حاج حسن عرب خراسانی» حدود ۸۰ سال سن دارد و همسرش «پوران سروری» ۷۵ ساله است که ۵۶ سال پیش زیر سقف همین خانه، زندگی مشترکشان را شروع کرده‌اند و ثمره این زندگی ۷ فرزند و بیش از ۳۰ نوه و نتیجه است. پیرمرد در حالی که استکان چای را سر می‌کشد، می‌گوید: «همه آبا و اجدادم در روستای «دوتویه علیا» به دنیا آمده‌اند و همین‌جا زندگی کرده‌اند. قدیم‌ترها حدود ۴۰ خانوار در این روستا زندگی می‌کردند که شغل همه آنها کشاورزی و دامداری بود اما با خشک شدن قنات‌ها و کم‌آبی، همه اهالی روستا به شهر یا روستاهای اطراف کوچ کردند و زمین‌های کشاورزی رونق خودشان را از دست دادند و حالا من و همسرم دوتایی تک و تنها اینجا چراغ روستا را روشن نگاه داشته‌ایم و وفادارترین اهالی روستا هستیم.»

از پوران خانم در مورد ماجرای آشنایی‌شان با حاج حسن و ازدواجش سؤال می‌کنیم و او هنوز هم مثل دخترهای قدیمی لپش گل می‌اندازد و نگاهی به همسرش کرده و می‌گوید: «ما با هم فامیل دور بودیم. آن زمان در روستای «عشداوین» فشافویه زندگی می‌کردیم. آن موقع‌ها مثل حالا دختر و پسر آنقدر راحت با هم ارتباط نداشتند و بزرگ‌ترها دختر و پسر را می‌دیدند و می‌پسندیدند و خودشان هم می‌بریدند و می‌دوختند و دختر و پسر را سر سفره عقد می‌نشاندند. ما هم ماجرای ازدواجمان همین‌طوری بود و من ندیده و نشناخته با حاج حسن ازدواج کردم و از روستای خودمان به دوتویه علیا آمدم.» او که از لبخندهای حاج حسن قوت قلب گرفته است، می‌گوید: «خیلی از دختر و پسرهای امروزی بعد از کلی رفت‌وآمد و آشنایی با هم ازدواج می‌کنند و خیلی زود سر ناسازگاری گذاشته و می‌گویند: تفاهم ندارند و از هم جدا می‌شوند اما نسل ما این‌طوری نبود و دخترها و پسرها ندیده و نشناخته پایبند همدیگر می‌شدند و یاد گرفته بودند که در خوشی و ناخوشی باید یار و یاور هم باشند و همین موضوع راز ماندگاری زندگی ما قدیمی‌ها بود.»

پیرزن که یاد خاطراتش افتاده، آهی عمیق می‌کشد و می‌افزاید: «باور کنید زندگی ما قدیمی‌ها نسبت به نسل شما جوان‌ترها خیلی سخت‌تر بود اما هیچ‌وقت از زندگی گله نکردیم و همیشه راهی برای کنار آمدن با مشکلات پیدا کردیم اما جوان‌های امروزی با این همه اطلاعات و مشاوره و... هنوز نمی‌توانند از پس حل و فصل یک مشکل کوچک خود بربیایند و همیشه خانواده‌هایشان درگیر امور زندگی آنها هستند.»

تنها تابلو و نمادی که جاده خاکی و متروکه روستا را از جاده اصلی جدا می‌کند و نشانی از روستا را به تصویر می‌کشد، وجود طاق نصرتی است که در ابتدای راه روستا قرار دارد و بر روی آن نوشته شده است که به آستان امامزادگان شاهزاده ابوالقاسم(ع) خوش آمدید. در پایین دست روستا، بقعه امامزاده ابوالقاسم(ع) واقع شده است. به‌رغم خالی شدن روستا از سکنه، پوران خانم که ۴۰ سال خادمه این بقعه بوده است هنوز هم با وجود پادرد شدید، بیشتر روزها به آنجا سر می‌زند و دستی به سر و روی اتاقک و ضریح کوچک امامزاده می‌کشد.

بر اساس شجره‌نامه و مستندات موجود، این بقعه مدفن طفلی از نوادگان امام موسی کاظم(ع) است که بنا به دلایل نامعلومی در این منطقه دفن شده است. اطلاعات دقیقی از بانی اولیه بنای امامزاده وجود ندارد، اما در سال ۱۳۶۴ نرده‌های جلو ایوان ورودی امامزاده و گچ‌کاری داخل بقعه با همت حاج حسن عرب خراسانی و حاج محمّد عرب خراسانی ساخته و تعمیر شده است. پوران خانم که ارادت قلبی زیادی به امامزاده دارد و شفای فرزند بیمارش را با توسل به این امامزاده گرفته است در سال ۱۳۷۴ درِ قدیمی امامزاده را که آن زمان چوبی بود تعویض کرد.

چند سال پس از آن نیز حاج محمّد سروی برق‌کشی امامزاده را انجام داد. هرچند آستان کوچک این امامزاده که در بین اهالی به شاهزاده ابوالقاسم(ع) معروف است، مانند سایر امامزاده‌های منطقه پرزرق و برق و دارای ضریح نقره‌ای و رواق‌های آیینه‌کاری شده و گنبد و بارگاه نیست اما صفا و آرامشی که پس از قدم گذاشتن در این آستان متبرک نصیب زائران می‌شود، وصف‌نشدنی است و همین موضوع سبب شده تا بسیاری از اهالی روستاها و شهرهای اطراف هرچند وقت یکبار به نیت زیارت راهی روستای متروکه دوتویه شوند.

وقتی در مورد وجه تسمیه نام روستا از حاج حسن که زمانی کدخدای روستا بوده است، سوال می‌کنیم، اطلاعات چندان دقیقی از آن ندارد و پیرمرد با سادگی خاصی می‌گوید: «چه می‌دانم والله ۸۰ سال پیش که من در این روستا به دنیا آمدم اسمش دوتویه بود حالا هم دوتویه است.»

او با دست بیابان‌های آن سوی روستا را نشان می‌دهد می‌گوید: «قدیم‌ها روستای دوتویه خیلی وسیع و سرسبز بود که بخش پایینی آن را دوتویه سفلی و این بخش را دوتویه علیا می‌گفتند اما کم‌کم با خشک شدن زمین‌های کشاورزی بین دو بخش روستا فاصله افتاد و اهالی دوتویه علیا به شهر و روستاهای دیگر کوچ کردند و روستا خالی از سکنه شد اما در عوض دوتویه سفلی رونق گرفت و حالا به اندازه یک شهرک بزرگ، جمعیت و امکانات دارد» پیرمرد در حالی که در انتظار آمدن تانکر نفت، کنار جاده عصا به دست ایستاده است، می‌گوید: «اینجا به دلیل باز بودن دشت و نبودن دار و درخت، پاییز و زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرمی دارد. چند سالی است که لوله‌های گاز توی روستا آمده اما هنوز گاز روستا وصل نشده است و چون ما اینجا دهیار و شورا نداریم، مسئولان شهر هم حرفمان را گوش نمی‌دهند.»

او می‌افزاید: «البته شاید فکر کنید چون ما یک خانوار ساکن روستا هستیم، مسئولان حق دارند که زحمت گازرسانی روستا را به خود ندهند اما باید بگویم که اینجا سوله‌های دامداری و سیلوهای زیادی وجود دارد که برای فعالیت صنعتی نیاز به گاز دارند اما فکر می‌کنم ما تنها روستای محروم از گاز شهرستان ری هستیم.» پیرمرد با حسرت می‌گوید: «روزگاری پدرم کدخدای روستا بود و بعد از فوت آن خدا بیامرز، من کت کدخدایی را به تن کردم. کدخداهای قدیم به نوعی مانند دهیاران و اعضای شوراهای روستای فعلی بودند اما آن زمان‌ها ما آنقدر دفتر و دستک و بودجه و برو بیا نداشتیم، بلکه اهالی روستا ما را به‌عنوان معتمد و ریش‌سفید روستا می‌شناختند و اگر کسی با همسایه یا خانواده‌اش، کدورتی داشت، پادرمیانی می‌کردم تا اختلافشان ختم به خیر شود یا اگر نیاز بود خواسته یا مطلبی را به مسئولی یا اربابی بگوییم، من به‌عنوان نماینده اهالی روستا برای این کار پیشقدم می‌شدم و کارمان هم برای جلب رضای خدا بود و هیچ مزد و مواجبی نداشت جز رضایت خدا و خلق خدا.»

حاج حسن می‌گوید: «قدیم‌ها، مردم برای حرف بزرگ‌ترها ارزش و اعتبار قائل بودند و اگر کدخدا با نظر جمع تصمیمی می‌گرفت یا موضوعی را به صلاحدید اهالی روستا مطرح می‌کرد همه روستا مطیع بودند اما حالا دهیاران و شوراها با این همه پشتوانه قانونی مانند گذشته حرفشان خریدار ندارد و نمی‌توانند بین اهالی اتحاد ایجاد و مشکلات اهالی را حل و فصل کنند.» کدخدای قدیم روستا که این روزها به قول خودش فقط برای پوران خانم کدخدایی می‌کند، می‌گوید: «هرجب از خاک این روستا حرفی برای گفتن دارد اما حیف که فرصتی برای روایت ۸۰ سال خاطره نیست.»

***منتشر شده در همشهری محله منطقه ۲۰ در تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۲**

بی تفاوتی راه آهن و وزارت راه نسبت به ۱۳ هزار و ۵۰۰ خانه مسکونی در حریم راه آهن تهران

معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران گفت: ۱۳ هزار و ۵۰۰ پلاک در نوار ۱۰۰ متری حریم خطوط راه آهن تهران قرار گرفته است که شرکت راه آهن کشور و وزارت راه برای آن کاری نمی‌کنند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری آنلاین، حمیدرضا صارمی با بیان این مطلب افزود: خط راه‌آهن که از منطقه ۱۷ و ۱۸ عبور می‌کرد، زمان دولت احمدی نژاد زیر زمین رفته الان دیگر حریم ندارد و باید توسط سازمان راه آهن کشور و وزارت راه حریم آن کاهش یابد، یعنی باید دو خط بنویسند این حریم از ۱۳۵ متر به ۳۵ متر کاهش یافته است اما آقایان بنا به دلایلی این کار را نمی کنند.

او افزود: در واقع، آدم هایی که در این مناطق زندگی می کنند بین ما (شهرداری) و وزارت راه گروگان گرفته شده اند و اگر خدایی نکرده آنجا اتفاقی بیفتد همه ما باید هم در پیشگاه خدا و هم در پیشگاه قانون پاسخگو باشیم؛ از ۱۵۳ هزار پلاک باقی مانده ۱۲ هزار و ۵۰۰ پلاک هم در محدوده های تاریخی و اوقافی قرار گرفته‌اند. در واقع ما جاهایی را ثبت میراثی کردیم اما به بهانه هایی از قبیل "محدودیت طبقه" اجازه نوسازی به آنها ندادیم و نهایتا ۳ هزار و ۸۰۰ پلاک از ۱۵۳ هزار پلاک هم در محدوده خطوط برق فشار قوی قرار گرفته اند که آن هم مشکلات خاص خودش را دارد.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران افزود: بالای ۱۰ بار ما با وزیر راه و شهرسازی مکاتبه داشتیم، به معاونت حقوقی رئیس جمهور نیز نامه زدیم، ولی بنده فکر می کنم رسانه باید در این زمینه به کمک ما بیاید تا آن ۱۳ هزار و ۵۰۰ نفر نجات پیدا می کنند.

ساخت تفرجگاه ۵۰۰ میلیون دلاری در شمال شرق پایتخت

شهردار منطقه ۴ جزییات پروژه فرامنطقه‌ای «سرزمین آسمان‌ها» را تشریح کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، علی اصغر کمالی زاده درخصوص پروژه «سرزمین آسمان‌ها» در این منطقه گفت: پروژه فرامنطقه ای سرزمین آسمان ها یا «اسکای لند» قرار است به مساحت عرصه ۳۵۰ هزار مترمربع در محدوده خیابان استقلال، بلوار کوهستان احداث شود.

وی با بیان اینکه این پروژه در مرحله مطالعات قرار دارد، افزود: اسکای لند شامل شهربازی، رستوران، مراکز خرید و سینما خواهد بود که به صورت مشارکتی و با سرمایه گذاری بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار اجرا می شود.

منطقه ۴ شهرداری تهران با ۹ ناحیه و ۲۰ محله شرقی‌ترین نقطه تهران است که در شمال شرقی پایتخت قرار دارد دسترسی سریع بخش شرقی منطقه به مناطق گردشگری متعددی همچون دره‌های سد لار، لتیان و دره‌های سرسبز فشم، اوشان، میگون و مناطق ورزشی تفریحی همچون دربندسر، شمشک و آبعلی آن را از دیگر مناطق تهران متمایز کرده‌است.

بر اساس گزارش سایت شهر، این منطقه که از شمال به رشته کوه‌های البرز و منطقه یک از جنوب به خیابان رسالت و مناطق ۷ و ۸ و در محدوده خیابان دماوند نیز به منطقه ۱۳ و از غرب در حدود خیابان لنگری به منطقه یک و محله پاسداران محدود می‌شود، به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین و وسیع‌ترین مناطق تهران شناخته می‌شود.

دیدگاه

نود و پنج درصد از بناهایی که امتیاز برتر گواهی‌نامه‌های پایداری را کسب کرده‌اند بسیار زشت هستند

وینی ماس

کتابی هست که آن را با عنوان «رؤیای سبز» منتشر کردیم، با {همکاری} دو گروه از پژوهشگران دکتری که زیبایی همه بناهایی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده‌اند که امتیازهای برتر استانداردهای «لید» و «بریم» را در سرتاسر دنیا کسب کرده‌اند. بنا بر این {پژوهش}، مثلاً نود و پنج درصد این بناها بسیار زشت هستند و این امر دوست داشتن آنها را سخت می‌کند. چرا که اگر شما یک بنا را دوست بدارید، همین {دوست داشتنی بودنش} واقعاً پایدارترین چیزی است که در مورد آن می‌توانید ببینید و احساس کنید

اما این که استانداردهای «لید» و «بریم» در ده سال گذشته باعث ایجاد چنین زشتی‌ای شده‌اند تکان‌دهنده بود؛ و دلایل بسیاری برای این امر وجود دارد. البته چیزهای فوق‌العاده خوبی در مورد این گواهی‌نامه‌ها وجود دارد، اما {این وجوه مثبت} معمولاً فدای {جنبه‌های دیگر} می‌شود. (در گفت‌وگوی منتشر شده در مجله The New ARCH، دوره ۲، شماره ۲، سال ۲۰۱۵)

منبع: گفتار

محیط زیست

بلاتکلیفی کارخانه بازیافت یاسوج استخوان لای زخم شده

کارخانه بازیافت زباله شهر یاسوج که تکمیل نشده افتتاح شده بود، پس از ۱۰ ماه از افتتاح صوری هم اکنون به دلیل عمل نکردن شهرداری به تعهداتش تعطیل شد و بلاتکلیف رها شده و هم اکنون به استخوان لای زخم تبدیل شده است.

به گزارش پیام آشنا، زباله که به طلای کثیف معروف است سالیانه بخش زیادی از درآمدهای شهری و اشتغال زایی در برخی کشورها و استانها از این طریق محقق می‌شود که استان کهگیلویه و بویراحمد بعنوان «پایتخت طبیعت ایران» سال‌هاست که با مشکلات زیرساختی بازیافت زباله مواجه بوده و هزاران تن زباله در ضعف نبود تفکیک سوزانده می‌شوند.

بر اساس بررسی‌ها، سرانه تولید زباله برای هر نفر در کشور ۸۵۰ گرم بوده که این میزان در استان کهگیلویه و بویراحمد بیش از یک کیلوگرم است البته این میزان در شهر یاسوج، مرکز استان دو برابر کشور است. در سطح شهر یاسوج روزانه ۲۵۰ تن زباله تولید می شود که عمده این میزان در خیابان ها تفکیک می شود.

با برنامه ریزی و قول‌های حمایت از سرمایه گذاران، یک سرمایه گذار در مسیر ساخت یک کارخانه بازیافت در شهر یاسوج قرار می گیرد و با تلاش سرمایه گذار، پس از فراز و نشیب‌های متعدد فاز اول این کارخانه در منطقه "دوپشته" دهستان "نشتروم" با نوید اشتغالزایی برای ۱۰۰ نفر به شکل مستقیم در فاز اول در روز دوشنبه هفتم شهریور ماه ۱۴۰۱ با حضور وزیر کشور و طی هفته دولت به بهره برداری رسید و وعده هایی برای حمایت مالی جهت اجرای فاز دوم در همان روز به سرمایه گذار داده شد و نهایتا این کارخانه به علت همکاری نکردن دستگاه‌های خدمات رسان و عمل نکردن شهرداری به تعهداتش افتتاح نشده، تعطیل شد.

تعهدات شهرداری یاسوج روی کاغذ باقی مانده

«سید مهدی عدالت‌خواه» سرمایه گذار کارخانه بازیافت زباله شهر یاسوج در گفت و گو با خبرنگار ایسنا ضمن انتقاد از عملکرد شهرداری یاسوج و دستگاه‌ها نسبت به تعهدات در ساخت و راه اندازی کارخانه، گفت: بخش زیادی از تعهدات شهرداری یاسوج روی کاغذ باقی مانده و به آنها عمل نشده است.

وی افزود: با توجه به نیاز شهر یاسوج و حتی استان کهگیلویه و بویراحمد و با تاکید بر سلامت مردم، مشکلات زیست محیطی و جلوگیری از آلودگی آب سد شاه قاسم و چاه‌های آب شرب نسبت به همکاری با متولیان برای ساخت کارخانه بازیافت اقدام کردیم.

عدالت‌خواه با بیان اینکه حتی در روند ساخت مشکلات زیادی بر سر راه ما قرار داشت، گفت: برای تأمین برق پروژه از ژنراتور اجاره‌ای استفاده کردیم و تعهدات شبکه‌های آب، برق، گاز و... نیز با مشکلات زیادی مواجه شدیم.

این سرمایه گذار خاطرنشان کرد: با وجود همه مشکلات، دست از کار نکشیده و با تمام توان فاز اول کارخانه بازیافت یاسوج را آماده بهره برداری کردیم.

عدالت خواه با بیان اینکه مشکلات زیرساختی پایان ماجرا نبود، تصریح کرد: در تعهدات شهرداری یاسوج مساله کنترل تفکیک از مبدا، جلوگیری از فعالیت انبارهای جمع آوری ضایعات و تحویل کامل زباله به کارخانه دیده شده بود که هیچکدام عملی نشد.

وی با بیان اینکه تحقق نیافتن تعهدات درصد بسیار بالایی از زباله‌ها را در شرایط تفکیک شخصی قرار می‌داد، ادامه داد: به نوعی خروجی و درآمد کارخانه در ضعف عمل به تعهدات شهرداری مغفول ماند و همه این مسایل در سایه قرارداد و تعهداتی بود که طرف مقابل به هیچکدام عمل نکرد.

سرمایه گذار کارخانه بازیافت یاسوج با اشاره به اینکه مشکلات زیرساختی، همکاری نکردن دستگاه‌ها و عمل نکردن به تعهدات توسط متولیان، کارخانه را در فاصله چند ماه پس از افتتاح به تعطیلی کشاند، عنوان کرد: این موضوع به نحوی شکل گرفت که امکان مانور برای بازیافت به پایین ترین سطح رسید.

عدالت‌خواه تاکید کرد: با توجه به همکاری نکردن شهرداری یاسوج، در زمینه زیرساخت‌ها، بخش زیادی از خطوط انتقال را با هزینه شخصی انجام دادیم، در حالی که این مهم در تعهدات شهرداری با تاکید بر مکلف کردن بخش‌های متولی دیده شده بود. حتی محیط زیست نیز حمایت‌های تسهیلاتی را برای احداث کارخانه‌های بازیافت در نظر گرفته، اما شهرداری پیگیری مفید و جدیی در این خصوص نداشت. مجموعه شهرداری طبق دستورالعمل وزارت کشور باید عمل می کردند علاوه بر این دستورالعمل هیچ کدام از تعهدات خود را نیز انجام ندادند.